آل احمد (نویسنده) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) | صفار زاده(نویسنده) | حمید سبزواری(شاعر) | مهرداد اوستا(شاعر) | نصرالله مردانی (شاعر) | مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه(شاعر) | محمدعلی گودینی(نویسنده) | علی محمدمؤدب (شاعر) | اکبر صحرایی (نویسنده) | محمدمهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

روایتی از شکست عملیات «پنجه عقاب»

■ ناهید زندی‌پژوه

«مأمور خدا»، روایتی داستانی از شکست عملیات پنجه عقاب در صحرای طبس است. این کتاب نوشته‌ای است بر پایه یک واقعیت تاریخی با الهام از کتابهای خاطرات «همیلتون جردن» رئیس ســـتاد کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر، کتاب مشهور «هدف تهران»، نوشته جولیتو کیه‌زا روزنامه‌نگار ایتالیایی که با استناد روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های خارجی مخصوصا آمریکا نوشته شده است، «نیروی دلتا» خاطرات «چارلی بکویث» فرمانده عملیات طبس و روزنامه‌های رسمی ایران در گرماگرم حوادث طبس.

ماه ها پس از دســـتگیری جاســـوس‌های آمریکایی در سفارت آمریکا بوســـیله دانشجویان پیرو خط امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رئیس جمهور آمریکا چندین بار درخواســـت آزادی گروگانها را کرد، اما پاســـخ رهبر کبیر انقلاب، مشروط به بازگرداندن محمدرضا شاه به کشور و اصرار حضرت امام(ره) برای بازگرداندن پول‌های بلوکه شده ایران از خواسته‌های جدی بود و این باب میل جیمی کارتر نبود.

ضمن اینکه نشستن پای میز مذاکره خودش برای آمریکائی‌ها یک نوع تحقیر به حســـاب می‌آمد. به دلایلی چند از جمله بی‌صبری خانواده‌های گروگانها و از سویی مراسلاتی که از نیروهای سیا می‌رسید حاکی از آن بود کارمندهای ســـفارتخانه آمریکا در خاک ایران واقعا جاسوسی می‌کرده‌اند. مدارک غیرقابل انکار زیادی وجود داشت که حتی نیمی از آنها نه‌تنها برای محکومیت کارتر بلکه دولت‌های قبلی هم کافی بود. این حس برای کارتر واقعا شـــرم‌آور و ترسناک بود. آری بعد از تسخیر سفارت آمریکا در ایران، احساسات ضدآمریکایی در منطقه بشدت بیدار شده بود و اگر حمله روسیه به افغانستان نبود، چه بسا که همه منطقه از دست می‌رفت. عملیات دلتا یا به عبارتی عملیات پنجه عقاب که از نخستین روزهای اسارت جاسوسان طراحی شده بود، شکست تلخی را برای آمریکا رقم زد و حتی در سرنوشت انتخابات آمریکا نیز مؤثر افتاد. ماجرای طبس در ظاهر ممکن اســـت، یک طوفان شـــن و یک حادثه ســـاده به نظر برســـد، اما واقعیت این است که ماجرا به قدری برای کاخ ســـفید گران تمام شـــد که می‌توان آن را پایان افســـانه شکست ناپذیری آمریکا دانست. رویدادی که اگرچه آمریکا از آن به بدشانســـی و اقبال بد «گروه دلتا» یا بازیگران عملیات پنجه عقاب یاد می‌کند اما واقعیت چیزی نیست جز یاری الهی! واقعیتی که حضرت امام خمینی(ره) این گونه آن را تعبیر می‌کنند:

«جز این بودکه یک دست غیبی در کار است؟ نباید بیدار بشوند آنهایی که توجه به معنویات ندارنـــد و به این غیب ایمان نیاورده‌اند؟ نباید بیدار بشـــوند؟ کی این هلی‌کوپترهای آقای کارتر را که می‌خواســـتند به ایران بیایند ســـاقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شنها ساقط کردند، شنها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست، قوم عاد را باد از بین برد. این باد مأمور خداست، این شنها همه مأمورند.»

[صحیفه امام(ره)؛ جلد ۱۲؛ صفحه ۳۸۰]

شـــهید منتظر قائم پس از اطلاع از تجاوز آمریکایی‌ها به طبس به آن منطقه مـــی‌رود. وی در حال بازدید از هلی‌کوپترهای به جا مانده بود که آن منطقه به دســـتور بنی‌صدر بمباران می‌شود و منتظر قائم به شهادت می رســـد. این اقدام عجیب برای آن صورت گرفت تا اســـناد خیانت خود فروختگان داخلی در پس پرده بماند ولی شهادت این سردار رشید اسلام پرده از چهره منافقین برداشت.

پروین نخعی مقدم با عنایت از مسائل انقلاب همواره ذوق و هنر ادبی خویش را برای ایجاد آگاهی جامعه و اذهان نسل جوان بکار گرفته است. چنانچه در این اثر ارزنده سیاسی- تاریخی، ضمن تشریح عملیات صحرای طبس خباثت‌های وحشتناک آمریکایی‌ها را به خوبی تشریح کرده و پرده از رخ آدم‌هایـــی مانند کارتـــر و ایادی آن برمی‌دارد و تبهکاری‌های آنها را ورای ظاهر فریبنده‌شـــان آشکار می کند و تمام پستی‌هایی که این افراد به خاطر سودجویی‌هایشان مرتکب می‌شوند را برای خواننده کتاب بازگو می‌کند. می‌توان گفت نویسنده با جسارت تمام و دقت نظری که به خرج داده یک باره مســـائلی را در این داستان مطرح می‌کند. این کتاب قبل از اینکه یک داستان صرف باشد نگاه انسان‌شناسانه دقیقی را به خواننده ارایه می‌دهد، نگاهی که خواننده با آن می‌تواند دنیا را بهتر ببیند و بهتر بشناسد و حلاجی کند. داســـتان طبس سرنوشت انسان‌های گوناگون است که در قالب شـــخصیت‌های مثبت و منفی ایفای نقش می‌کنند. در مقدمه مؤلف آمده است: برخی از شخصیت‌های این داستان واقعی هستند، مانند کارتر، جردن، ترنر، برژینسکی، سرهنگ چارلی و... شخصیت‌های دسته دوم نیز نمونه‌هایی از سربازان آمریکایی‌اند که تخیل و واقعیت در ساخت شخصیت آنها دخیل بوده است. این مسئله که شخصیت‌پردازی آنها چقدر با واقعیت تطابق دارد، در مقایسه با رویدادی که بر آنها گذشته است چندان اهمیتی ندارد. کویر طبس نقطه توقف همه قدرت‌نمایی‌های آمریکایی‌ها بود.

کتاب «مأمور خدا»، جلد پنجاه و هشتم از سری کتابهای نیمه پنهان اســـت که با حمایت دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، در ۲۵۰ صفحه در قطعی رقعی و به بهای ۱۴۰ هزار ریال در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ روانه بازار نشر شده است.

این کتاب شامل مقدمه مؤلف، شش ضمیمه، فهرست منابع و اسناد و تصاویر واقعی و همچنین پانویس جهت تکمیل اطلاعات متن کتاب است.

پروین نخعی مقدم، نویسنده‌ای از خطه خراسان است و کتاب خود را تقدیم به شهدای تیپ فاطمیون بویژه فرمانده‌هان شهیدشان، شهید علیرضا توسلی و شهیدرضا بخشی کرده است.

«در نیمه اســـفند ۱۳۹۳ وقتی خبر تشـــییع شش شهید مدافع حرم در مشهد مقدس منتشر شد یک بار دیگر نام تیپ فاطمیون بر ســـر زبان‌ها افتاد، تیپی متشکل از جوانان از خود گذشته افغانستانی که حد و مرزی نشـــناختند و فرســـنگها دورتر از شهر و دیار خود در دمشق، جانشان را برکف دست گرفتند تا عقیله بنی‌هاشم دوباره طعم تلخ اسارت را نچشد.»

پروین نخعی‌مقدم با تألیفاتش بارها ثابت کـــرده که مؤلفی توانمند است و تاکنون کارهای شاخصی که از اقبال مناسبی نیز برخوردار بوده‌اند از ایشـــان تولید شده، امیدواریم کتاب‌های دیگری از این نویسنده کوشا و متعهد انقلابی روانه بازار شوند.

همدل با خمینیون

شاعران متعهد کشورمان در قبال فاجعه کشتار شیعیان نیجریه بی‌تفاوت نماندند. آنها تلاش کردند تا در قالب ماندگار شعر، پیام مظلومیت شهیدان آن فاجعه را منتشر کنند.

چند سروده را بخوانید:

زیباترین باران‌ها در آفریقا می‌بارد

علی رضا قزوه

زیباترین باران‌ها در آفریقا می‌بارد
در «گیسلو»
«کادونا»
خونین‌ترین روز عاشوراست
بزرگترین فریاد
اربعین است
و سرخ‌ترین خبر
در «زاریا» ست
و تا هنوز شیعیان دو گروه‌اند
یکی تیر می‌خورد و یکی مدال می گیرد
یکی تبعید می‌شود و یکی تبلیغ می‌شود
با اتصال دائم و پر سرعت به هر چیز
از «عرب ست» تا ویزای شنگن و
تا دیدار با وزیر مختار
فالوده می‌خورند از شیراز تا واشنگتن
برو بیا دارند با خرگوش‌ها و
سوسمارهای عبدالعزیز
فلسطین، نه
زینبیه ،هرگز
جهاد، اصلا و ابدا
اما قمه، حتما
چلوکباب، همیشه
و مرجعیتی که مُهر می‌شود دهانش
به مُهر و مِهر ملکه
و زاریا، شیراز نیست
لندن نیست
که زاریا، قدس است و کربلای حسین(ع) است
و زینت ابراهیم
زینب زمانه ماست
ام‌البنین نیجریه‌ای در خون است
بوکوحرام کتاب نمی‌خواند
بوکوحرام کتاب را حرام می‌داند
بوکوحرام یک شاخه از «عرب ست» است
برادران حرمله و تیر سه شعبه‌اند
بوکوحرام
حرام زاده‌هایی از نطفه حماقت و وهابیت
دزدان دریایی نفت در خشکی
در خشکه مقدسی
آن سوی مرز
مردی ده بار حبس
چندین گلوله
با چهره‌ای خونین
عمامه‌ای گلگون
و خونی که بند نمی‌آید
با چار زخم عمیق در سینه
این سوی مرز
مردی که صبح به صبح
دوش شیر می گیرد
و نطق می کند و رشد بادکنکی می کند
مانند اردوغان
آن سوی مرز
نان نیست
گلوله نیست
دارو نیست
ما در محاصره‌ایم و خدا هست
فقط دعا و گلوله بفرستید
این سوی مرز ولی
مردی با نوزده پست و مقام
باز مدیر می‌شود
وزیر می‌شود
و انتفاضه سوم آن سوی مرز است
در الخلیل و غزه،
در زاریا، عدن،
تعز و حلب
این سو ولی انتفاضه سکوت و بی‌خیالی ست
این سو جز آنفلوآنزا و بیکاری
جز خورد وخواب
جز تعظیم در برابر برجام
چیزی نمانده است
آن سو گلوله نیست، تسلیم نیست
این سو پر است از روبات‌هایی که خم می‌شوند
از روبان‌های سیاه
از شوالیه و تسلیت برای جمعه پاریسی
امضای دفتر یادبود سفارت

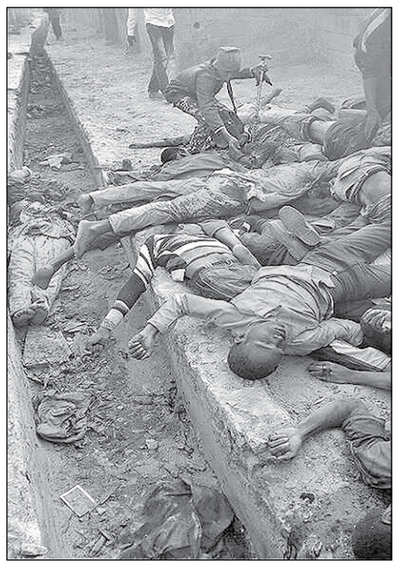

از یکشنبه‌های زاریا خبری نیست
دوشنبه‌های زینبیه
سه شنبه‌های ضاحیه و
چارشنبه‌های غزه
پنجشنبه ها
سر بریده می‌آورند از تنورهای حلب
این سوی مرز ولی
دخیل می‌بندند به کاخ الیزه
و جمعه هایشان در شانزه لیزه می گذرد
صحابیون شنگن و بشکن بشکن
بادمجان‌های دور واشنگتن دیسی
این سوی مرز
ستاره‌ها را عقیم می کنند
و خم می‌شوند در برابر قطعنامه چاقو
به لوموند و فیگارو
اعتماد می کنند
عالی جنابانی که ساعت ده صبح
بیدار می‌شوند
و خط ارتباطی شان با ضاحیه قطع است
و زاریا را اصلا قبول ندارند
برج البراجنه‌شان ایفل است
ضاحیه‌شان برج پیزا
قسمت نشد پیرونی بخورند
با قهوه فرانسوی قجری
مدام می گوید:
مسیو را بگیر برایم!
آن سوی مرز خمینیون «امن یجیب» می‌خوانند
به عشق خامنه‌ای گلوله می‌خورند
از شیخ عیسی به باقرالنمر
از باقرالنمر به شیخ ابراهیم
از شیخ ابراهیم به نصرالله
ما در محاصره‌ایم
گلوله و دعا بفرستید
این سوی مرز
عالی جناب رفته غسل شیر بجا بیاورد
آن سوی مرز
سر بریده می‌آورند از زینبیه
این سوی مرز
شمع روشن کرده اند
در میدان محسنی
شوالیه‌ها و خوک‌ها و شراب ها
آن سوی مرز صدای گریه می‌آید
از خانه شیخ ابراهیم
ام البنین خانه شیخ معلوم نیست کجاست
هست، نیست، نیست، هست
«ای مادر علی
ای مادر چهار شهید
چه کند گل سرخ»
در روزگار این همه خواری؟
این سوی مرز
آقای عین می‌آید، نمی‌آید، می‌آید، نمی‌آید
آرمان تلنگر می‌زند به اعتماد
آقای هیچ
سرلیست حزب بی‌خیالی و مردم!
تزریق پول و زهرماری
به معتادان پنجاه ساله اقتصادی
تولید درد و دود
آن سوی مرز
با سنگ و دست خالی به خیابان آمده‌اند
این سو با بیل و کلنگ
افتاده‌اند به جان دانش و آگاهی
مردان بی‌سو و بی‌سر
مردان خاموش
مردان اخته و هویج و لبو و بستنی قیفی
آن سوی مرز
زنی روزی هزار مرتبه می‌میرد
و می‌دود به سوی قتلگاه چهار شهیدش
این سوی مرز
زنی به فکر
اصلاح نژاد شاهین
برای شانه اعراب
از تارو پود ریز گرد و فتنه
تبلیغ می کنند
آب زرشک را و لیبرالیسم بی‌خیالی را
صعود دلار و سقوط دوغ
جنجال جام و جادوی برجام
این سوی مرز
بناست اچ آی وی
با سگ و شوالیه و شراب
وبا سفارت فرانسه و جان کری و شیر پاستوریزه
خواهرخوانده شوند با هم
از اعتماد به ابتکار
از آرمان به سیاست روز
او می‌آید، نمی‌آید، می‌آید، نمی‌آید
این سوی مرز
عرض کندولانس و تسلیت و لاس‌های دیپلماتیک
آن سوی مرز
خمینیون تازه بی‌هیچ نسبتی به نام و خون خمینی
با هفت هزار شهید یمنی
هزار شهید تازه نیجریه
این سوی مرز
لطفا چراغ‌ها خاموش!
دهان‌ها بسته!
آن سوی مرز حماسه است و گریه
می‌بینی آقا روح الله!
اطراف خانه‌ات خبری نیست
تو رفته‌ای آن سو
در زاریا و ضاحیه و غزه
و تیر خورده‌ای عمامه‌ات خونین است
تمام مصطفاهایت را کشتند!
نکند آقاروح الله!
تویی که داری گریه می کنی
با چشم‌های خونی زکزاکی!

صبر کن آفتاب در راه است

فایزه زرافشان

همه دارند از تو می گویند، نیجریه چه آمده به سرت
سرخ، مانند آفتاب غروب، مانده بر قلب آسمان اثرت
دشمن از جان تو چه می‌خواهد؟ عالم از غصه‌ات چه می‌داند؟
باز کن لب که قصه را باید بشنوم از زبان شعله ورت
رسم نامردها همین بوده، آه تا بوده این چنین بوده
که بریزند خون سرخت را پیش چشمان خسته پدرت
ای شهیدان شیعه سرها را روی دامان دوست بگذارید
نیجریه بخند، نوبت توست که بیفتد به کربلا گذرت
صبر کن آفتاب در راه است، صبر کن عمر ظلم کوتاه است
دارد از سمت شرق می‌آید روشنی بخش چشم‌های ترت

چقدر صدایت شبیه بلال است برادر!

تقدیم به شیخ زکزاکی

مجتبی اصغری فرزقی

قدر صدایت شبیه بلال است برادر
در قاره‌ای که سیاه پوستان
سفید فکر می کنند
و مک دونالد
غذای سنتی آنهاست.
از حنجره‌ات
می‌شود
گل‌های محمدی را
گرده افشانی کرد
و مهربانیت
آمده پای پیاده تا حرم
زیبائیت را
در کلمات می‌ریختی
و درختان بسیاری را
معطوف خورشید کردی
با آن دندان‌های سفید و زبان سرخت....
بارها می‌خواستند
پوستت را چپه رو کنند
و پولش را در چمدانی که بوی تعفن می‌داد
بفرستند...
ژنرالها می‌خواهند
گرفتن تو را
به افتخاراتشان اضافه کنند
ولی صدای تو که اینجاست
و افکارت
متین و آرام قدم می‌زنند در خیابان‌ها
نقشه نیجریه
شبیه صورت توست
با اندامی رها در باد.
ما خوب می‌دانیم
که هیچ میله‌ای نمی تواند
طنین آزادی را
محصور کند
پس ما نگران نیستیم که تو کجایی
و تو هم نگران نباش
چون
تاریخ معاصر نیجریه
معطر به افکار توست
با آن نرگسی که به سینه زدی
و یاس‌هایی که پرورش داده‌ای در حیاط خلوت مســـجد علوی نیجریه...

نگاهی کوتاه به شعر شیعی از آغاز تا قرن سیزدهم

■ علی خوشه‌چرخ‌آرانی

در میان شـــیعیان، ادب و ادبیات فارسی مقام و رتبتی والا و بالا دارد. شاید مهارت و توانمندی‌های امیرمؤمنان(ع) در شـــعر و زیبایی کلام و بلاغت کم‌نظیر او در سخن‌وری، در بالندگی و تعالی شـــعر و ادب مؤثر بوده است؛ اما قطعاً ستیزه‌ها و نزاع‌ها و جدال‌های سیاسی و اعتراضات انقلابی شیعیان در دوره‌های اموی و عباسی در گسترش و توسعه ادب شیعه مخصوصاً در حوزه شعر و شاعری نقش مهمی ایفا کرده است؛ ضمن این که پس از شهادت مظلومانه حضرت امام‌حسین(ع) در کارزار کربلا و شهادت شماری از خاندان پیامبر اکرم(ص) روح حماســـی شیعی در قالب نظم و نثر شـــور و تجلی افزون‌تری یافت و صدها کتاب و هزاران شعر درباره کربلا به زبان عربی و فارسی پدید آمد. هرچند در ادب و شعر عرب، شاعران بلندآوازه‌ای همچون حسان‌بن ثابت، فرزدق، دعبل خزاعی، سید حمیری، کمیت‌بن زید اسدی، سید رضی، سید مرتضی و... برخاستند و همگی در تعالی و ترویج فرهنگ انقلابی شیعه نقش مؤثری بازی کردند. باید گفت که از آغاز پیدایش و رویش زبان فارســـی و گسترش آن و حتی در دوره‌هایی که مذهب رایج و غالب ایرانی، غیر شیعی بود کم‌تر دیوان یا کتابی را می‌توان یافت که در آن نویسنده یا شاعر به پیشوایان مذهب شیعی توجه و عنایت نشان نداده باشد و حتی بسیاری از سرایندگان فارسی زبان از آغاز تاکنون از ســـخنان و کلام حضرت امیر(ع) در اشعار خود استفاده کرده‌اند و حتی سخنان کوتاه او را به گونه‌ای مســـتقیم در اشعار خویش به کار گرفته‌اند. اگرچه گروهی معتقدند که رودکی پدر شعر فارسی شیعی اسماعیلی بوده، اما به طور قطع «کسایی» را از نخستین شاعران پیرو مذهب شیعی دانسته‌اند و قصیده مسمط او در توصیف واقعه کربلا مؤید شـــیعی بودن اوســـت. از دیگر شاعران برجسته عهد غزنوی که شـــیعی بودن او تأیید شده فردوسی بزرگ است که با بیت: «اگر چشم داری به دیگر سرای
به نزد بنی و وصی گیر جای»

شـــیعی بودن خویش را تأیید نمود و هر چند این که فردوســـی پیرو کدام یک از مذاهب شیعی بوده، مشخص نیست اما در نهایت عشق و ارادت او به خاندان پیامبرگرامی اسلام(ص) شکی نیست.

«حکیم ناصر خسرو» که از شاعران قرن پنجم هجری است، در دیوان اشعارش دلایلی متعدد برای اثبات وصایت و خلافت حضرت امام علی(ع) بیان می‌کند.

پس از آن، سنایی قصایدی در مدح و منقبت حضرت امام‌رضا(ع) ســـروده که از مضامین اشـــعار او نیز عشق و محبت به اهل بیت(علیهم‌الســـلام) هویداست، اما آن‌چه قابل تأمل و تذکر اســـت این که پس از همه شاعران یاد شده، نخستین شاعری که در اشعارش به صراحت به تشیع خود اعتراف کرد و به حقانیت مذهب تشـــیع و عدل الهی و امامت دوازده‌گانه تصریح نموده است، شاعر قرن ششم قوامی رازی اســـت. در قرون هفتم نیز تعدادی از شاعران منجمله ســـیف فرغانی، امامی هروی، فخرالدین عراقی، سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی و... اشعاری در منقبت و مراثی خاندان پیامبراسلام(ص) سرودند. بنابراین می‌توان گفت که مذهب شیعه در سده هفتم و هشتم هجری راه ترقی را پیمود و به تدریج زمینه گســـترش آن در سراسر ایران فراهم گردید.

قرن نهم دوره شکفتگی شعر مذهبی است. زیرا در این دوره شـــعر فارسی از جهت کمیت و تا حدی کیفیت ترقی زیادی کرد و شاهزادگان تیموری مروج شعر و هنر و شوق شـــاعران شدند و شیعیان هم از این فرصت نهایت استفاده را بردند و برای ترویج عقاید خود در سراســـر ایران پراکنده شـــدند و حتی برخی از گوینـــدگان این عصر آن چنان راه ترقی و توصیف و مدح و منقبت اهل بیت(علیهم‌السلام) را پیمودند که از مجموع اشعار آنان در مناقب و مراثی دیوان مســـتقلی پدید آمد که «ابن حسام خوسفی» از آن‌هاست. از وی مثنوی «خاوران نامه» به جای مانده است که با وزن شاهنامه فردوســـی به وصف و مدح حضرت امام‌علی(ع) و جنگ‌های او پرداخته است.

«کاتبی شـــیرازی» هم از جمله شاعران این دوره است که افزون بر قصاید عاشورایی‌اش، اشعار دیگری هم در مدح و منقبت اهل بیت(علیهم‌السلام) سروده است.

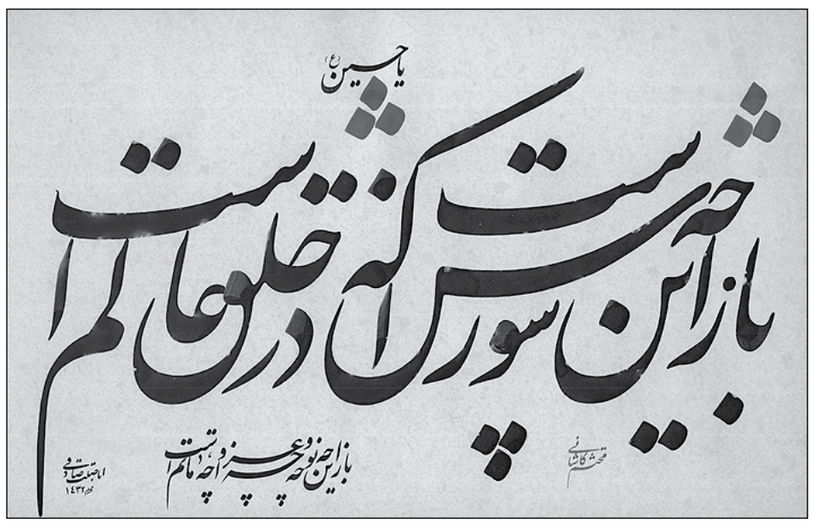

در قرن بعدی و همزمان با تأســـیس سلسله صفویان و رسمیت یافتن مذهب شیعی در سراسر ایران ادبیات مذهبی هم رواج و رونق افزون‌تری یافت و غیر از شـــاعران، علمای دینی هم علاوه بر اهتمام جهت نشـــر معارف و عبادات، به شعر و شاعری مذهبی روی آوردند. اما مشهورترین سراینده دوره صفویه محتشـــم کاشانی است که ترکیب بند بلند او در دوازده بند، معروف‌ترین شـــعر مرثیه عاشورایی ادبیات فارسی اســـت، رواج و اشـــاعه فرهنگ مذهبی و اعتقادی و مدح اهل بیت(علیهم‌الســـلام) در دوره صفویه به حدی است که می‌توان مهم‌ترین ویژگی ادبی دوره صفوی را نظم حماســـه‌های دینی و سرودن منظومه‌های مفصل و مطول در منقبت‌هـــا و معجزات و پیروزی‌های پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم‌السلام) دانست.

از دوران سقوط صفویه تا عصر امروز از آن‌رو که مذهب غالب ایرانیان شیعه بوده است، ادیبان و شاعران ایرانی عمدتاً شیعی مذهب بوده‌اند که از مشهورترین شاعران قرن دوازدهم می‌توان به هاتف اصفهانی، صبای کاشانی، وصال شیرازی و صباحی بیدگلی و نشـــاط اصفهانی و قاآنی ... اشاره نمود که همگی در مرثیه‌ســـرایی و احتمالاً سرودن اشعار تعزیه طبع‌آزمایی کرده‌اند.

در پایان باید از «یغمای جندقی» هم نام برد که مبتکر سبکی در شعر عاشورایی گردید که به نام سینه‌زنی موسوم است و اشعار زیادی در این موضوع از وی به جا مانده است.

موج‌سازی علیه حقوق مردم

■ رها شهیدی

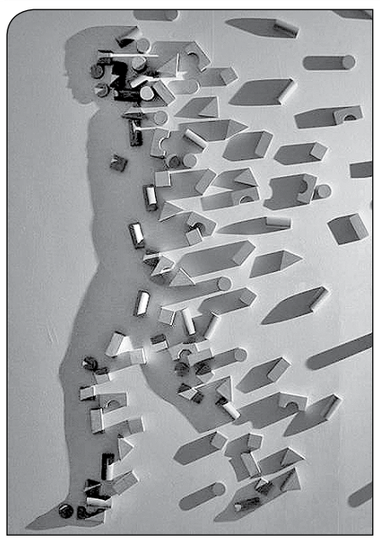

یک خصلت بزرگ هنرمند و یکی از شـــاخص‌های هنرمند بودن، مجهز بودن به قدرت تحلیل است.این ویژگی است که به هنرمند توان می‌دهد موضوع‌ها و روابط و علت‌هایی را کشف کند که «دیگران» نتوانند و یا به راحتی نتوانند، ببینند و یا درک کنند.

آنچه موجب می‌شود قدرت تحلیل به ارزیابی و نتیجه درست منتهی شـــود، عدالت‌خواهی است.عدالت‌خواهی که برخاسته از تعهد است. تعهد به باورهای الهی و سجایای اخلاقی!

از این روســـت که هنرمنـــد متعهد را می‌توان یک تحلیلگر متعهد معنا کرد.جامعه و اساسا هر جامعه‌ای که دوستدار پیشرفت معنوی اســـت و درپی تحقق عدالت، نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از هنرمند متعهد معرفی کند.

متاســـفانه در جامعه دینی ما و پس از ســـپری شـــدن ۳۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، گاه نشانه‌هایی بروز می‌کند که گویای فعالیت گسترده هنرمند یا هنرمندنمایان بی‌تعهد در مسیر رویارویی با ارزش‌های الهی و باورها و حقوق مردم کشورمان است .

یکی از همین دست نشانه‌ها ظرف چند هفته گذشته خود را به رخ کشید.

چندی پیش، یکی ازترانه‌ســـرایان معاند با نظام دینی - که کیهان قبلا نسبت به اقدامات وی افشاگری کرده بود- دستگیر شد. به دنبال این اتفاق؛ گروهی از فعالان ترانه‌سرایی - مشهور و غیرمشهور - در شبکه‌های اجتماعی و برخی هم در گفت‌وگوی پنهان با رسانه‌های اجنبی مانند «بی‌بی‌سی»، موجی از حمایت نسبت به ترانه سرای دستگیر شده به راه انداختند.

بطور مثال، ترانه‌سرایی نوشت:

«ما قاتل و کلاهبردار نیستیم .ما ترانه‌سراییم»!

یا دیگری پرسید:

«مگر ما چه کرده ایم»؟!

درباره نشانه بالا، باید گفت:

اولا چـــرا باید فکـــر کنیم، هنرمند و یا هر کســـی که فکر می‌کنیم هنرمند است؛ اگر هم گناه کند و جرمی مرتکب شود، به دلیل هنرمند بودن و ضرورت احترام به هنر، نسبت به عمل خود، مسئولیت ندارد؟!

چرا فکر می‌کنیم هنرمند جدا از مردم است و نباید زیر سایه و در بند قانون قرار بگیرد؟

برخی مدعیان روشـــنفکری و معاندان بـــا مردم ایران،مگر نمی‌گویند، تبعیض مقابل عدالت است؟ پس چرا در مقام هنرمند، تبعیض قائل می‌شوند و عدالت را پایمال می‌کنند؟!

بپذیریم که؛ باور آزادی و استقلال و عدالت‌خواهی، با حمایت چشم بسته از مجرمین و رأی به تبرئه همیشگی آنان با استناد به هنرمند بودن، متناقض است!

دوم: آیا عقلانی اســـت؛ انسان از کسی - متهم و غیرمتهم، مجرم و غیرمجرم - صرفا بر پایه تعلقات خانوادگی و گروهی و صنفی، دفاع کند؟... در این صورت باز هم می‌توان نگران عدالت شد وپرسید؛ تکلیف عدالت چه می‌شود؟

ترانه‌سرایی بازداشت گردید. خب؛ از این فرد چه می‌دانیم؟ جز اینکه سال‌هاســـت علیه نظام دینی و متدینین و رســـانه‌ای اصولگرا و انقلابی و... شـــعر گفته و مطلب نوشـــته اســـت؟ جز اینکه در قالب یک نماهنگ، مردم را به آشوب علیه نظام دینی فراخوانده است؟

کدام کشور و با کدام نظام سیاسی است که به فردی ناراحت و آشـــوب‌طلب، اجازه کار غیرقانونی و هنجارشـــکنی اخلاقی و سیاسی دهد؟ کدام؟!

آیا حامیان فرد دستگیر شده، از اتهام ترانه سرای یاد شده آگاهی دارند؟

اگر آگاهی دارند و می‌دانند او فردی پرخاشگر و معارض است و باز از او حمایت می‌کنند که باید گفت؛ تک تک این حامیان در مقام معارض‌اند و مستحق تعقیب قضایی! و اگر ... نه، آگاه نیستند و در جایگاه حمایت از متهم پافشاری می‌کنند،که جسارتا باید به میزان عقلانیت و عدالت‌خواهی و تعهدشان نسبت به جامعه بشری نگران شویم!

به نظر می‌رســـد اما حامیان آگاهانه دست به حمایت از متهم می‌زنند! آنها خوب می‌دانند که همکارشـــان تا کجا و چگونه علیه باورهای مردم و نظام دینی، پیش رفته اســـت. اما چون با رفیق ترانه ســـرای خـــود هماهنگی فکری دارند، درپی موج‌سازی علیه انقلاب و نظام هستند. آنها می‌خواهند نهادهای امنیتی و قضایی را زیر فشار بگذارند تا شرایط فرار از قانون و نظم مهیا شود و راه منحوس قانون شکنی را نسبت به قبل ،هموارتر سازند.

«مونا ب.»، «نیلوفر ل.» و ...از جمله حامیان هستند.

بی‌شـــک نگارنده و روزنامه کیهان، از دســـتگیری کســـی خوشحال نمی‌شود و آرزوی ما حرکت همه مردم در مسیر قانون و نظم و آرامش اســـت. اما برای رسیدن به این مقصد،جلوگیری از «قانون‌شکنی و معاندت» و پاسخگو کردن هر فردی و در هر جایگاهی و منصبی و حفظ حقوق مردم، یک ضرورت است .

حضور و فعالیت کلان هنرمندان متعهد در صحنه فرهنگ و هنر کشورمان، گامی در جهت ضرورت یاد شده است!